

جرعه فشانی بر خاک

استاد علامه بزرگوار آقای قزوینی در طی مقاله خود در باب بعضی تضمینهای حافظ که در شماره ششم مجله مندرج است بعلت معلوم نبودن اصل و منشأ افشاندن جرعه‌ای از شراب بر خاک پس از نوشیدن آن از خوانندگان خواسته بودند که اگر کسی در این خصوص اطلاعی دارد بنویسد تا دیگران هم از آن مستحضر و مستفید شوند. اینک دو جواب یکی از آقای دکتر غلامحسین صدیقی دیگری از آقای دکتر محمد معین بما رسیده که ما آن دورا ذیلاً یکی بعد از دیگری منتشر میسازیم و از نوشته آقای دکتر صدیقی که زودتر رسیده شروع میکنیم:

جرعه کأس الکرام

استاد محترم عزیز،

راجع بتحقیق علامه بزرگوار آقای محمد قزوینی در باب این شعر حافظ:

خاکیان بی بهره اند از جرعه کأس الکرام

این تطاول بین که با عشاق مسکین کرده اند

آنچه بنظر حقیر میرسد بعرض میرساند:

اولاً در باره گوینده شعر:

شربنا و اهرقنا علی الارض جرعه وللارض من کأس الکرام نصیب

کاذمیرسکی در حواشی ترجمه دیوان منوچهری بفرانسه (ص ۳۲۵) راجع بدو شعر متوالی این شاعر (که تنها اولین آنها در کتاب امثال و حکم تألیف دانشمند محترم آقای دهخدا ذکر شده است) در همین باب گوید: مضمون این دو شعر در بیت عربی ذیل بکار رفته است: شربنا و اهرقنا... الخ

معلوم نیست که منوچهری این مضمون را از شاعری عرب گرفته یا شعر عربی از گفتن منوچهری تقلید شده است. این شعر در تفسیر قرآن موسوم بروح البیان (طبع بولاق ج اول ص ۳۸۶) نیز دیده میشود...

نایباً علاوه بر موارد مذکور در امثال و حکم و اشعار خاقانی و حافظ که آقای قزوینی ذکر فرموده اند این مضمون در مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد رومی نیز استعمال شده است:

يك قدح می نوش کن بر یاد من گر همی خواهی که بدهی داد من
یا بيساد این فتاده خاك بيز چونك خوردی جرعه‌ای بر خاك ريز...
(مثنوی چاپ هلال‌الدوله ص ۴۲)

جرعه‌ای چون ریخت ساقی الست بر سر این شوره خاك زیر دست
جوش کرد آنغاك و مازان جوششیم جرعه دیگر که بس بیکوششیم
(همان کتاب ص ۴۳۸)

جرعه بر خاك وفا آنكس که ریخت کی تواند صید دولت ز و گریخت
(همان کتاب ص ۴۵۵)

جرعه‌ای بر خاك تیره ریختند زان چه بار و فتنه ای انگیزند
(همان کتاب ص ۴۷۳)

ثالثاً - راجع باصل و منشأ این عادت و غرض از آن، این عمل که بلاتینی آنرا لی باسیو ۱ و بفرانسه لی باسیون ۲ می نامند در میان اقوام مختلف باستانی متداول بوده و ایشان پیش از قربانی یا موارد دیگر بافتنغار خدایان و اموات شراب یا روغن یا آب و عسل یا شیر یا مشروبات دیگر بر روی مجسمه‌ها یا مقابر میریختند ۳.

قوم یهود از عهد بسیار قدیم (بیش از قرن ششم قبل از میلاد) در عبادت خدای خود یهوه این عمل را اجراء میکردند و برای این کار جامهای مخصوصی داشتند که

اکنون در دست است. ایشان تنها هنگام عبادت خدا جرعه فشانی نمیکردند بلکه بر سر مقابر نیز این عمل را بجا می آوردند و جامهای کوچک برای ریختن مشروبات روی آنها می گذاشتند، ریختن آب خنک روی قبرها نیز بهمین منظور در میان ایشان مرسوم بود، قوم مذکور حتی بر روی قبر ستون کوچک یا لوحی که متوقف روح مرده بود قرار میداند و شراب یا مشروبات دیگر را روی آن میریختند ۱.

آشوریان نیز بر سر مقابر پدران و اجداد خود بهمان نحو جرعه ریزی میکردند ۲ و این عمل بقصد تطهیر و تهذیب در میان هندوان نیز جاری بوده ۳ و در نزد اقوام عرب هم عادت مذکور رواج داشته و ایشان غالباً مانند تمام اقوام سامی خون قربانیهای خود را برای این عمل بکار میبردند یا مانند فنیقیان شیر را باین منظور استعمال میکردند و بعد ها شراب را که «خون انگور» می نامیدند بعوض خون موزد استفاده قرار دادند ۴.

چون در عهد قدیم همچنانکه اکنون در جامعه های ساده ابتدائی دیده میشود تقریباً جمیع اعمال مردم جنبه و صبغه دینی داشت انسان ناچار بود که پیش از خوردن غذا جرعه فشانی و حیثاً قربانی کند ۶.

پس از آنکه معبد از خانه جدا شد چون برای مردم دشوار بود که همواره بمعبد خدایان یا بر سر تربت پدران و اجداد خود رفته برای آنان جرعه فشانی کنند بتدریج عادت بر این جاری شد که این عمل را در خانه خود پیش از آشامیدن مشروب یا خوردن غذا، بر روی خاک بیاد آنها انجام دهند خاصه اینکه قدماروح اموات راهمه جا حاضر و

- ۱ - رجوع کنید بکتاب Israëli تألیف A.Lods صفحات ۱۱۵ و ۱۳۳ و ۱۳۶ و ۲۵۹ و ۲۶۱ و ۲۶۴ و ۴۷۶ و سفر تکوین از توراة فصل ۳۵ قرة ۱۴)
 ۲ - کتاب اسرائیل سابق الذکر ص ۲۶۱
 ۳ - کتاب Psyché حاشیة صفحه ۱۹۹
 ۴ - کتاب دین سامیان تألیف W.Smith ص ۲۹۹ بیعد
 ۵ - Durkheim, Les Formes élémentaires de la vie religieuse
 ۶ - کتاب اسرائیل ص ۴۶۷

ناظر میدانستند. مثلاً در نتائر موسوم به «پارسیها» تصنیف ایسخولوس (اسشیل) ۱ شاعر معروف یونان می بینیم که خنیاگران ببادر خشیارشا سفارش می کنند که بر خاک و بیاد ارواح مردگان جرعه فشانی کند و سقراط در زندان از زندانیان که جام شوکران را بدست او داده می پرسد: «آیا جرعه فشانی از این مشروب برای یکی از خدایان جائز است یا نه؟» و لامارتین در منظومه «مرگ سقراط» باین موضوع اشاره کرده میگوید: «سقراط گفت نخست نوبری از مشروب دلپذیر را بخدایان جاودان اهداء کنیم آنگاه جام را کج کرده دو قطره از آن بافتخار خدایان بر خاک ریخت.»

بنا بر آنچه گذشت افشاندن مشروبات بر خاک ناشی از ملاحظات و اعتقادات دینی بوده و در مراسم و تشریفات عبادت خدایان و اجداد چه در معابد چه در مقابر چه تنها بر روی خاک اجراء میشده است و اگر چه در اصل مشروبات مختلف برای عمل مذکور بکار میرفت با مرور زمان شراب منحصرأ جای مشروبات دیگر را گرفت و تلمیحاتی که ما در ادبیات عبادت جرعه فشانی ملاحظه می کنیم تصریحاً یا تلویحاً مربوط بشرابست نه مشروب دیگر.

صورت دیگری از این اعتقاد و عمل که تا عصر ما باقی و شایع مانده ریختن آبست بر سر قبور که از قدیم در نژاد اقوام مختلف مانند مصریان و کلدانیان و یهود معمول و مرسوم بوده است. ۳۰

پس از نوشتن این سطور با استاد ارجمند آقای بدیع الزمان فروزانفر در دانشکده ادبیات اتفاق ملاقات افتاد فرصت را غنیمت شمرده راجع بشعر عربی مذکور با معظم له گفتگو کردم این شعر را از مثنوی خواندند:

جرعه ای بر ریختی زان خفیه جام بر زمین خاک من کأس الکرام
و فرمودند باین مضمون در کتاب الاغانی ابو الفرج اصفهانی نیز اشاره شده است

و بعد لطف و افادت را بنهایت رسانیده يك فقره از آن کتاب را که مربوط بجزعه فشانی يك عده از جوانان یمامه است بر قبر اعشی شاعر معروف استخراج کرده برای حقیر فرستادند . ۱

بعد از درج مقاله آقای دکتر صدیقی اینک میپردازیم بنقل نوشته آقای دکتر

محمد معین:

يك رسم باستانی

استاد علامه آقای محمد قزوینی در مقاله (بعضی تضمینهای حافظ) در شماره ششم مجله یادگار (صفحه ۷۰) در ضمن بحث از بیت ذیل:

خاکیان بی بهره اند از جرعه کاس الکرام

این تطاول بین که با عشاق مسکین کرده اند

از رسم (ریختن جرعه شراب بر خاک) یاد کرده مرقوم داشته اند:

و گویا اصل خود این عمل یعنی افشاندن جرعه از شراب بر خاک پس از نوشیدن آن عادت بوده ایرانی چه در اشعار و اخبار عرب تا آنجا که راقم سطور بخاطر دارم (بدون ادعای استقراء) نشانی ازین مضمون و ازین عادت تا کنون بنظر منی آید دیده باشم و اگر یکی از فضلا و متبعین نشانی و اطلاعی از منشأ این عادت و غرض از آن داشته باشد و ما را از آن مستحصر کند بسیار متشکر خواهیم شد . اگر چه نگارنده کوچکتر از آنست که در ردیف «فضلا و متبعین» قرار گیرد معینا آنچه را بمطالعه دریافته و بعرض حضرت استاد رسانیده بر حسب دستور معظم له برای اطلاع خوانندگان آن مجله ذیلاً ثبت میکند .

این عادت نخست در میان ملت خوش ذوق یونان باستان نشأت یافته و مانند بسیاری از آداب باده نوشی بیا کوس رب النوع باده منسوب بوده است .